

بررسی تعامل دو مفهوم شهروندی و امنیت اجتماعی

جعفر هزار جریبی^۱

رضا صفری شالی^۲

تاریخ وصول: ۹۰/۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۰/۴/۲۹

چکیده

امنیت اجتماعی (در دو بُعد عینی و ذهنی) در جامعه نیازمند دو عنصر حقوق افراد و تکالیف آنها می‌باشد و این عناصر اجتماعی امروزه در ذات مفهوم اخلاق شهروندی قرار دارد؛ شهروندی، شامل: «مسئولیت پذیری شهری، قانون مند بودن شهروندان، هنجارپذیری از الگوها» می‌شود و مسئله حاضر این است که تا چه اندازه افراد جامعه با حقوق و وظایف شهروندی آگاهند و مجموعه این عوامل در تقویت امنیت اجتماعی مؤثرند.

این پژوهش به لحاظ نوع روش تحقیق، از نوع تحقیقات رابطه‌ای است که در دو سطح توصیفی و تحلیلی تبیین گردیده است. در آن برای رسیدن به اهداف تحقیق از دو روش اسنادی و پیمایشی (تکنیک پرسشنامه) استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل ساکنان بالای ۱۵ تا ۶۵ سال شهر قزوین می‌باشد که تعداد ۴۰۰ نفر بر طبق فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عناصر سازنده اخلاق شهروندی در دو بُعد ۱- حقوق شهروندی (شامل احساس عدالت و برابری در جامعه، فضای مناسب اخلاق عمومی در جامعه و رضایت از عملکرد مسئولان) و ۲- وظایف شهروندی (شامل رعایت انضباط اجتماعی، تعهد درونی نسبت به انجام شغل و وظایف محوله و احساس مسئولیت در قبال دیگران) دارای همبستگی ۷۴ درصد با سرمایه اجتماعی می‌باشند. مقدار ضریب تعیین یا

۱- دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

۲- مدرس دانشگاه و پژوهشگر علوم اجتماعی

برآورد واریانس متغیر سرمایه اجتماعی توسط مجموعه متغیرهای شهروندی نیز برابر با ۵۶ درصد می‌باشد ($R^2=۰/۵۶$).

بر طبق نتایج برای شکل گرفتن امنیت اجتماعی در جامعه، لازم است که شهروندی تعریف و رعایت گردد. در عصر حاضر، شهروندی یک ضرورت اجتماعی است که به صورت سازه اجتماعی ناشی از بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه همراه با تنوع فرهنگ‌ها، معانی مختلفی را در جامعه شکل می‌دهد؛ بر این اساس به طور کلی شهروندی و امنیت اجتماعی یک نوع قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل «دولت بر مردم و مردم بر دولت» است.

واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی، شهروندی، عدالت اجتماعی، رضایت از عملکرد مسئولان، فضای اخلاق عمومی جامعه.

مقدمه

شهروندی از مفاهیم کلیدی در شناخت و توصیف جایگاه و وضعیت انسان امروزی است. می‌توان به درستی نشان داد آنچه انسان معاصر را از انسان در قرون گذشته متمایز می‌سازد، هویت شهروندی اوست. مارشال که پیشگامان معاصر نظریه شهروندی است در کتاب «طبقه، شهروندی و توسعه اجتماعی» (مارشال، ۱۹۹۷، به نقل از عاملی، ۱۳۸۰)، شهروندی را در رویکردی تکاملی و تاریخی به سه بعد «مدنی»، «سیاسی» و «اجتماعی» تقسیم می‌کند. حقوق مدنی یا قانونی (مانند حقوق مربوط به اموال و دارایی‌های فردی) که در قرن هفدهم و در واکنش به حاکمیت مطلقه پادشاهی شکل گرفت در نهایت در چارچوب دادگاه‌های حقوقی و حق قانونی داشتن دادگاه عادلانه برای تک تک افراد نهادینه شد. سپس در قرون هجده و نوزده شهروندی سیاسی در بستر توسعه «دموکراسی پارلمانی» ظاهر گشت. مطابق حقوق شهروندی سیاسی، افراد حق رأی و حق مشارکت در سازمان‌های دولتی را پیدا کردند. این حقوق در چارچوب نظام سیاسی «رقابت حزبی» شکل گرفت. در قرن بیستم حقوق اجتماعی شهروندی مانند: حق بیمه بیکاری، تأمین امکانات بهداشتی، درمان و دسترسی به آموزش در بستر «دولت رفاه» شکل گرفت و توسعه یافت.



به اعتقاد «ترنر»^۱ شهروندی با مدرنیزاسیون مرتبط است از این رو نیروهای حامی مدرنیزاسیون توسعه دهنده شهروندی هستند (ترنر، ۱۹۹۳: ۱۲) پس می‌توان گفت که امروزه همزمان با آهنگ توسعه در جهان شاهد گسترش ایده شهروندی و ضرورت وجود امنیت اجتماعی در جوامع هستیم و این موضوع نشان دهنده اهمیت یافتن موضوع‌های نرم افزاری توسعه می‌باشد. به عبارت دیگر امروزه در ارزیابی‌های یونسکو در خصوص سطوح توسعه یافتگی کشورها به شاخص‌های اجتماعی در کنار شاخص‌های اقتصادی، صنعتی و فنی توجه ویژه‌ای می‌شود. به این ترتیب می‌توان گفت که امنیت اجتماعی در شکل گسترده خود، از مفاهیم نوینی است که در کنار اعتماد، پیوندها و شبکه‌های ارتباطات میان اعضای جامعه، به عنوان منبع با ارزش سرمایه اجتماعی می‌باشد، که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل به تحقق اهداف اعضا در انجام فعالیت‌ها مطابق با مقتضیات جامعه نوین توجه می‌کند (پوپ^۲، ۲۰۰۰: ۱۳۵). از این رو ترتیب امنیت اجتماعی با تأکید بر عوامل فرهنگی و اجتماعی نقش چشمگیری در توسعه جامعه به خصوص توسعه اجتماعی دارد. تحقق امنیت اجتماعی نیز در جامعه نیازمند دو عنصر «حقوق افراد و تکالیف اجتماعی» آنها می‌باشد و این عناصر اجتماعی امروزه در ذات مفهوم اخلاق شهروندی قرار دارد (آدلر و سوک^۳: ۲۰۰۲). بنابراین لازم است که برای شکل گرفتن امنیت اجتماعی در جامعه، اخلاق شهروندی تعریف و رعایت گردد. همان‌طور که از تعریف شهروندی در ابتدای متن برمی‌آید، هر حقوق، مستلزم وظایف و تعهداتی هست. داشتن هر حقی، مستلزم داشتن حس تعهد و حس مسئولیت برای آن حق هست. فراهم شدن شرایط عینی و زمینه‌های عینی برای تحقق شهروندی لازم و ضروری هست ولی کافی نیست. زیرا برای تحقق کامل شهروندی ایجاد زمینه‌هایی برای شرایط ذهنی نیز باید فراهم شود. شهروندی که بدون آگاهی ذهنی از برخی حقوق سیاسی، مدنی و یا اجتماعی برخوردار شود، هیچ‌گاه در مقابل آن احساس تعهد و وظیفه نمی‌کند. چون نمی‌داند و آگاهی لازم را ندارد که چرا از این حقوق برخوردار گشته و چه وظیفه‌ای در قبال این حقوق دارد؟

1. bryan Turner
2. Pope
3. Adler, & seek-woo

مسئولیت شهروندی را می‌توان به خود آگاهی مردم به حقوق شهروندی و احساس نیاز همگانی برای اجرای این حقوق و مشارکت در آن تعریف و تعبیر کرد (نوروزی؛ ۱۳۸۵:۱۵).

اعضای جامعه، هنگامی مجال مشارکت واقعی، آگاهانه و معنادار در عرصه‌های مختلف را می‌یابند که نسبت به حقوق و تعهدات خود در جامعه آگاهی داشته و به آن عمل نمایند. این شناخت و عمل به آن در گرو به رسمیت شناختن شهروندی است. بنابراین شهروندی را می‌توان هسته اصلی مشارکت اجتماعی و سیاسی یک جامعه و سازنده امنیت اجتماعی دانست پس به منظور برقراری جامعه سالم و پویا باید زمینه را برای تحقق شهروندی فراهم کرد (شیانی، ۱۳۸۲:۱۴).

اما اینکه چه عواملی و چه عملگره‌هایی در تعامل میان شهروندی و امنیت وجود دارند، مورد سؤال است، چه شرایطی در جامعه (چه در سطح کلان و چه در سطح خرد) باید فراهم شود تا این تعامل برقرار گردد؟

اینکه رابطه معنی داری بین این دو متغیر، یعنی شهروندی (در دو بُعد حقوق و وظایف) و احساس امنیت اجتماعی وجود دارد یا نه، اصلی‌ترین و محوری‌ترین مسئله تحقیق حاضر می‌باشد. از این رو هدف اصلی پژوهش حاضر این است که بین ابعاد شهروندی و امنیت اجتماعی رابطه برقرار است یا خیر و هر یک از ابعاد شهروندی تا چه اندازه می‌توانند در پیش‌بینی واریانس (یا تأثیر بر) احساس امنیت اجتماعی مؤثر باشند؟

بررسی نظری موضوع

بررسی مفهوم شهروندی

شهروندی^۱ همانند بسیاری از اصطلاحات علوم اجتماعی از یک مفهوم عام و قابل پذیرش همگان برخوردار نیست. بسیاری از اندیشمندان و متفکران حوزه‌های علوم سیاسی و علوم اجتماعی و دیگر حوزه‌ها از زوایا و دیدگاه‌های متفاوتی به این موضوع پرداخته‌اند. از این رو در ابتدا به بررسی این مفهوم می‌پردازیم:

1. Citizenship



واژه شهروند از مفاهیمی است که در دوران مدرن و با از هم پاشیدگی سیستم حکومتی دوران ماقبل مدرن و با رواج مردم‌سالاری خاص این دوران رشد نموده و مفهومی جدید یافته است. شهروند^۱ و سایر لغاتی که مفهوم زندگی در مکانی را القا می‌کنند و به عبارتی به مردم یک منطقه و موضوع‌های مرتبط به آن اشاره دارند در فرهنگ‌های لغت چنین معنا شده‌اند:

شهروند کسی که حقوق کاملی به عنوان عضو یک کشور دارد، اعم از آنکه متولد آن کشور باشد یا اینکه آن حقوق به او اعطا شده باشد. (اعم از دارنده تابعیت اعطا شده یا بومی یک ایالت یا یک ملت)، کسی که بومی جایی باشد، کسی که اهل منطقه‌ای باشد و امتیازهایی برای انتخاب به او داده شده باشد. به عبارت دیگر شهروند معادل منتخب واژه لاتین «سیتی زن» است که اگرچه در فرهنگ‌های فارسی معتبر از آن ذکر نشده است اما با توجه به آن معنای «وند» که به مالکیت اشاره دارد می‌توان معنایی برای «شهروند» قایل شد که حاکی از اهمیت «ساکن» و «اهل» شهر به عنوان صاحب و مالک شهر باشد (تقی زاده ۱۳۸۴: ۱۹).

«شهروند» یا ستیزین از واژه لاتین «سیویتاس»^۲ مشتق شده است. این واژه در زبان لاتین تقریباً معادل کلمه «پولیس»^۳ در زبان یونانی است. پولیس یا شهر، تنها مجتمعی از ساکنان نیست، بلکه واحدی سیاسی اجتماعی و مستقل به شمار می‌آید. شهروند کسی است که به آن واحد تعلق دارد و شرایط لازم را برای مشارکت در اداره امور عمومی در محدوده شهر را دارد. (پللو و قاضی، ۱۳۷۰: ۱) معمولاً امروزه دو اصطلاح «شهروندی» و «ملیت»^۴ به صورت مترادف به کار گرفته می‌شوند. در جامعه‌شناسی سیاسی، شهروندی ناظر بر شمول سیاسی به عنوان رابطه‌ای میان فرد و دولت است، در حالی که ملیت اشاره به تعلق ملی از جمعیت عضویت در یک اجتماع فرهنگی دارد. با وجود این، در حالی که ملیت اشاره به تعلق ملی از جهت عضویت در یک اجتماع فرهنگی دارد.

1. citizen
2. ciuitas
3. Polis
4. nationality

در مجموع شهروندی با بعضی از موضوعها مرتبط است که به طور خلاصه عنوان می شود:

مدنیت: شهرنشینی، انتساب به شهر و مدینه، تربیت، ادب و تمدن، در معنای واژه مدنی نیز آمده است. شهری، ساکن شهر، مقابل بدوی، مربوط به شهر.

به زعم «لکسو»^۱، شهروندی دارای قدرت رهایی بخش و آزادی است و چنین بیان می کند که: «در زمینه ملی شهروندی نباید به حق رسمی مشارکت در قدرت عمومی یعنی دموکراسی محدود باشد، بلکه مقتضی یک دستورالعمل سیاسی هدفمند و از طرف مردم نیز باید مقتضی انگیزه، تواناییها و منابع ناظر بر مشارکت باشد. این امر شهروندی را به رهایی و آزادی معطوف می کند» (لکسو، ۱۳۸۱: ۱۰۹).

اما در مجموع «دو شرط وجود دارد که می توان گفت شهروندی بر آنها مبتنی است. اول دولت باید تکثرگرا و دموکراتیک باشد، زیرا دولت های دیکتاتوری شهروند ندارند، بلکه دارای رعیت یا تابعه هستند. دوم، جامعه مدنی باید باز و آزاد باشد» (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

شهروندی به عنوان یک پدیده اجتماعی مدرن از مؤلفه های محوری نظام های سیاسی دموکراتیک و شاخصی کلیدی برای نشان دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه مدرن است که برخوردار از حوزه عمومی و جامعه کارآمد و پویا می باشد. در ادبیات گسترده نظریه های شهروندی، هسته مشترک تعاریف ارائه شده از شهروندی به شرح زیر است:

- نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای تمامی اعضای جامعه؛
- مجموعه به هم پیوسته ای از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان؛
- احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی؛
- برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و امنیتی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی،

1. lakco

مذهبی و قومی (ترنر، ۱۹۹۳ به نقل از توسلی و حسینی، ۱۳۸۳: ۳۳). به این ترتیب پیداست که مفهوم شهروندی نوعی «حق» در دل خود به صورت نهفته دارد. مفهوم حقوق بر بعضی از ویژگی‌های اساسی دلالت می‌کند:

- ۱- حقوق باید در سراسر زمان‌ها و مکان‌ها جنبه عام و فراگیر داشته باشد. باید صرف نظر از طبقه، جنس، نژاد و غیره به همگان تعلق گیرد؛
- ۲- حقوق باید انتقال ناپذیر باشد. آن را نمی‌توان واگذار کرد، فروخت یا معامله نمود.
- ۳- حقوق دال بر خود مختاری است، یعنی به افراد این آزادی را اعطا می‌کند تا نسبت به هدف‌های مطلوب خود تصمیم بگیرند و تا جایی که به اصل عدم تجاوز به دیگران خدشه وارد نشود، برای تحقق این هدف‌ها بکوشند؛
- ۴- حقوق متعلق به افراد است (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۲۲).

البته در تعریف شهروندی در کنار حقوق افراد باید به تکالیف اجتماعی آنها نیز اشاره داشت. باید گفت که اساس جامعه مدنی بر محور نهادهای اجتماعی نظام شهروندی شکل گرفته است، از این رو شالوده‌های اصلی جامعه مدنی به مثابه نظام سیاسی و اجتماعی است که با نهادهای شهروندی مثل نهاد قانون‌گذاری، نهاد نظام حاکمیت سیاسی مردم بر مردم قالب نظام‌های دموکراسی را می‌سازد. به طور کلی شهروندی یک نوع قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل دولت بر مردم و مردم بر دولت و همچنین یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی در یک محدوده مشخص است. پس در مجموع «شهروندی معرف نوعی التزام به قوانین مدنی و تعلقات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که مرز جغرافیایی و سیاسی در محدوده یک کشور دارد و بر ضوابط و حقوق دولت-ملت تأکید می‌کند (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۶۷).

بررسی مفهوم امنیت

امنیت در قاموس‌های فارسی به معنی «آزادی، آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم دیگران آمده است» (کوچکی، ۱۳۶۸: ۱۰). واژه امنیت را در فارسی، «ایمن شدن»، «درمان بودن» (معین، ۱۳۵۲: ۳۵۴)، «بی بی‌می» و «ایمنی و آرامش و آسودگی» (عمید، ۱۳۴۲: ۲۷۵) و در

عربی آن را «ایمنی»، «آرامش قلب و خاطر جمع بودن» معنا کرده‌اند. در فرهنگ علوم رفتاری دو معنا از این واژه ارائه شده است ۱- حالتی که در آن، ارضای احتیاجات و خواسته‌های شخصی انجام می‌پذیرد؛ ۲- احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرشی که نهایتاً از سوی طبقات اجتماعی نسبت به فرد اعمال می‌شود (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۹).

رابرت ماندل بر این اعتقاد است که امنیت به لحاظ مفهومی چهره‌ای متغیر دارد؛ از همین روست که ارائه تعریفی کامل از امنیت مستلزم بررسی و تحقیق در خصوص مفاهیم کلیدی چون قدرت، تهدید و اتحادهاست (ماندل، ۱۳۷۷: ۲۲).

به همین دلیل تعریف امنیت دارای مفاهیم سهل و ممتنع است. از یک سو به کار بردن این واژه در محاوره مردمان به صورت مکرر و گسترده، که مراد از آن نوعی ایمنی در امور زندگی می‌باشد، معنای آن را سهل و از سوی دیگر قرارگرفتن معنای آن در حوزه‌های گوناگون، متفاوت و مبهم می‌باشد.

چلبی در خصوص امنیت می‌گوید: امنیت از عوامل نظم بخشی در جامعه است. ناامنی، حالات یا موقعیت‌هایی هستند که نظم و انسجام و آرامش جامعه را بر هم می‌زنند (چلبی، ۱۳۷۵: ۸۳).

عمید زنجانی می‌گوید: مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید نماید (وائقی، ۱۳۸۰: ۱۳).

اما امنیت از جهات مختلف قابل تقسیم بندی است. از جمله درونی یا بیرونی، عینی و ذهنی، جغرافیایی، فردی و اجتماعی که برای رعایت اختصار به تقسیم بندی اخیر اشاره می‌کنیم:

امنیت فردی، آرامش و آسایشی است که فرد بدون در نظرگرفتن امکانات جامعه برای خود فراهم می‌نماید.



امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد کند. امنیت اجتماعی را غالباً به امنیت شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی تقسیم می‌کنند.

۱- امنیت شغلی، یعنی ایجاد آرامش و آسایش برای انسان از طریق تأمین شغل در برابر تلاش عادلانه او؛

۲- امنیت اقتصادی، یعنی ایجاد آنچنان نظمی در اجزا و بخش های اقتصادی جامعه که افراد را از احساس خطر نسبت به کمبود و فقدان لوازم و امکانات اساسی مورد نیاز فرد مصون دارد؛

۳- امنیت سیاسی، یعنی امکان اظهار نظر افراد، پیرامون چگونگی اداره امور جامعه و شرکت در این گونه امور بدون احساس بیم، هراس، خطر و تهدید؛

۴- امنیت قضایی، نوعی «مصونیت قضایی» شهروندان مطرح می‌شود که آنان را از هرگونه تجاوز و تعرضی نظیر: قتل، ضرب و جرح، حبس، شکنجه های روحی و جسمی، و سایر مجازات های غیرقانونی و به تعبیر دیگر، هر عملی که منافی شئون و حیثیت انسانی او است، نظیر فحشا، بهره کشی و... که براساس موازین، منطقی و قانونی نباشد، در امان می‌دارد (شعبانی، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

در واقع امنیت اجتماعی یک موضوع هویتی و نوعی ثنوری مطرح در سیاست داخلی کشورها و حتی روابط بین الملل است. البته آنچه در اینجا مدنظر است هویت اجتماعی با در نظر گرفتن حقوق و وظایف شهروندی است، هویت اجتماعی به مجموع ویژگی هایی گفته می‌شود که فرد به واسطه آنها خودش را به عنوان عضو یک گروه قلمداد می‌کند. نتیجه اینکه امنیت اجتماعی را می‌توان چنین تعریف نمود: «عدم ترس، خطر و هراس در حفظ و نگهداری ویژگی های مشترک» (همان: ۱۲۰).

امنیت را در ابعاد و زوایای مختلفی می‌توان بررسی و تحلیل کرد، آنچه که در این پژوهش به آن توجه می‌شود تقسیم آن به بُعد عینی (امنیت واقعی) و بُعد ذهنی (احساس امنیت) است.

الف) بُعد عینی امنیت اجتماعی: این بُعد از امنیت به کمیت جرایم، آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه می‌پردازد که تغییر در میزان آنها، امنیت جامعه را تغییر می‌دهد؛

ب) بُعد ذهنی امنیت اجتماعی (احساس امنیت): احساس امنیت پدیده روان‌شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامونی است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آنرا تجربه می‌کنند. منابع تأمین‌کننده احساس امنیت برای آحاد و گروه‌های مختلف جامعه نیز متفاوت از همدیگر است و این منابع در سطوح مختلف اثرگذار می‌باشند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۶۵).

ادبیات نظری موضوع

ادبیات مربوط به شهروندی در سال‌های اخیر از رشد بالایی برخوردار بوده است. در مجموع دو برداشت، در خصوص شهروندی وجود دارد، یکی مفهوم فردگرایی - لیبرال و دیگری مفهوم جمهوری خواهی - مدنی می‌باشد (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۲).

فردگرایی - لیبرال، جریان فکری که از هابز به بعد بر تفکر انگلیسی - امریکایی غلبه یافته است. در این تفکیک، شهروندی به عنوان موقعیت در نظر گرفته شده که باید خواسته شود، به دست آید، و حفظ شهروند بودن یعنی برخورداری از حقوق امنیت فردی، آزادی بیان، حق رأی و مانند آن ... برعکس مفهوم جمهوری‌گرایانه در حالی که اهمیت حقوق را انکار نمی‌کند وزن بیشتری به ایده شهروند فعال می‌دهد که از طریق گفت و گوی سیاسی با دیگران در تکوین جهت‌گیری آینده اجتماع خود مشارکت می‌کند. اینجا شهروندی نقشی است که شهروند به عنوان عضو کامل اجتماع بازی می‌کند. برای شهروند بودن باید در یک مسیر معین اندیشید و عمل کرد، یک شهروند باید از میزان معینی از آنچه که در سنت جمهوری‌گرایانه قدیمی به مزیت عمومی مرسوم است برخوردار باشد» (میلر، ۱۳۸۱: به نقل از شیانی، ۱۳۸۱).



«شهروندی جمهوری گرایانه دارای چهار جزء اصلی است که دو جزء آن با برداشت لیبرالی مشترک است:

اول اینکه: شهروند جمهوری گرا مطمئناً از یک مجموعه حقوق برخوردار است که هم به منظور نیل به اهداف و مقاصد خصوصی و هم ایفای نقش عمومی لازم و ضروری است؛

دوم اینکه: همراه و ملازم با این حقوق، مجموعه تکالیفی نیز وجود دارد. حقوق و تکالیف مهم هستند اما از منظر جمهوری گرایانه، شهروندی بیشتر متضمن تعهدها است؛ سوم اینکه: شهروندی متضمن تمایل به گام برداشتن فعال در جهت دفاع از حقوق سایر اعضای جامعه سیاسی است و به طور کلی تر بر تقویت و ارتقای منافع مشترک جامعه سیاسی گام برمی دارد [التزام به کمک نه اختیار].

چهارم اینکه: شهروندی جمهوری گرا نقش فعالی در صحنه‌های رسمی ایفا می‌کند. مشارکت سیاسی صرفاً به منظور نظارت بر زیاده‌روی حکومت یا به منظور تقویت منافع بخش خصوصی انجام نمی‌گیرد. بلکه به عنوان راهکاری جهت بیان تعهدها نسبت به اجتماع صورت می‌گیرد» (همان: ۱۲)

دو جزء اول شهروندی جمهوری گرایانه با شهروندی لیبرال مشترک است یعنی اول وجود حقوق و دوم التزام به تکالیف. اما بحث در بین این دو نوع شهروندی در درجهٔ تقدم حقوق و تکالیف است. شهروندی لیبرال حقوق را مقدم می‌شمرد و شهروندی جمهوری خواهانه تکالیف را. اما دو جزء دیگر یعنی دفاع از حقوق سایر اعضای جامعه و مشارکت سیاسی فعال مختص شهروندی جمهوری گرا است. فرد شهروند مسئول حقوق دیگران نیز هست و نمی‌تواند بی‌تفاوت به حقوق دیگران باشد.

در مجموع شهروندی لیبرال و جمهوری گرایانه هر کدام معایب و معانی دارند. شهروندی جمهوری گرایانه به این دلیل که در صدد خلق شهروندان فعال است قابل تحسین است و شهروندی لیبرال دقیقاً به این دلیل که شهروندان را از فعالیت بازمی‌دارد، قابل نقد می‌باشد (فالکس، ۱۳۸۱: ۷).

در این زمینه به بررسی این مفهوم و روند آن از نگاه صاحب‌نظران مختلف

می‌پردازیم: «کانت صفات زیر را ذاتی و تفکیک‌ناپذیر یک شهروند می‌داند:

۱- اختیار قانونی: شهروند از هیچ قانونی اطاعت نمی‌کند مگر قانونی که خود با آن موافقت کرده است؛

۲- تساوی مدنی: به معنی اینکه شهروند با دیگران در وضعیت مساوی قرار دارد و هر تهدیدی نسبت به حقوق او همانند دیگران است و هیچ تبعیضی روا داشته نمی‌شود؛

۳- استقلال مدنی: هستی و بقای شهروند در جامعه ناشی از گزینش افراد دیگر نیست بلکه نتیجه حقوق و استعدادهای خاص خود او به عنوان جامعه مشترک المنافع است. از نظر کانت شهروندی عبارت است از: توانایی و استعداد رأی دادن، اما کسی در جامعه مستقل است که فقط (صرفاً) جزیی از جامعه مشترک المنافع نباشد بلکه عضوی از آن باشد یعنی جزیی که می‌خواهد براساس گزینش خود در جامعه عمل کند» (افضلی و حسام، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

مارشال (۱۹۵۰) به طور خاص به بررسی شهروندی در حال ظهور و محتوای آن در ابتدای پیدایش جوامع رفاهی مدرن می‌پردازد. او تأکید می‌کند که حق شهروندی اشخاص دارای دو جزء کلی است. از یک طرف شهروندی شامل حق پذیرفته شدن در تمام روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به عنوان یک عضو کامل جامعه است و از طرف دیگر، شامل این مسئله می‌باشد که تمام افرادی که شرایط یکسانی دارند در میراث اجتماعی آن جامعه سهیم می‌باشند. به این ترتیب می‌توان شهروندی را در حول سه مسئله اساسی که همچنین در ارتباط نزدیکی با شرایط اجتماعی نوین نیز می‌باشند، مشخص نمود.

۱- مشارکت و شمول اجتماعی در زندگی اجتماعی یک اجتماع؛ ۲- صلاحیت‌های مدنی، توانایی بخشی به شهروندان در سازمان دهی نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود؛ ۳- تقابل حقوق و وظایف عضو بودن در یک اجتماع (واندر وین: ۱۹۹۳، به نقل از توسلی و نجاتی، ۱۳۸۳)

با در نظر گرفتن هر سه ابعاد شهروندی، در جوامع رفاهی مدرن مشخص می‌شود که در زندگی اجتماع درون جامعه ارتباط قوی میان حقوق شهروندی، موفقیت اقتصادی و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان وجود دارد



«برایون ترنر^۱ (۱۹۸۶) ضمن نقد نظریه مارشال، الگوی جدیدی در خصوص شهروندی مطرح می‌کند. از نظر ترنر، مارشال از حقوق شهروندی بسیار مهمی غفلت کرده است. از نظر ترنر حقوق اقتصادی و فرهنگی اهمیت زیادی دارد و در واقع شهروندی اجتماعی، رفاهی و سیاسی متکی بر شهروندی اقتصادی و فرهنگی است. همین امر منشأ بی‌توجهی مارشال به تفاوت‌های زبانی، نژادی و مذهبی شده است. مارشال تنها به تفاوت‌های طبقاتی توجه کرده است. و بر این اساس جمع‌بندی نموده که شهروندی می‌تواند به مثابه حلقه‌ی اصلی همه‌ی طبقات اجتماعی و ارزش مشترک همه‌ی شهروندان تلقی شود (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۳).

انتقاد ترنر از مارشال و حقوقی که برای شهروندی مطرح کرده است این نکته را روشن می‌کند که وجود تفاوت‌های فرهنگی و نژادی و حتی جنسی امکان بروز تفاوت در دسترسی به حقوق شهروندی را امکان‌پذیر می‌سازد. ترنر در الگوی جامعه‌شناختی از شهروندی چهار منبع اساسی یعنی شهروندی، هویت، جماعت و منابع (اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) را در تعامل با یکدیگر می‌داند و این چهار مؤلفه در روند متقابل با «شهر متعالی» می‌باشند (همان: ۱۷۴).

«ترنر ادعا نموده که تاریخ مدرن شهروندی را می‌توان به مثابه یک سلسله دایره‌های گسترش‌یابنده‌ای تلقی نمود که به وسیله نیروی حرکت برخورد و مبارزه پیش رفته‌اند. جنبش شهروندی از مفهوم اخص به عام ترقی نموده، چرا که ارائه تعاریف خاص از افراد به منظور طرد آنها به طور فزاینده غیرعقلانی به نظر رسیده و با مبنای نظام سیاسی مدرن در تعارض افتاده است. مانند جنبش ضد برده‌برداری در قرن هجدهم» (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۲).

هابرماس (۱۹۷۳) صاحب‌نظر دیگر این حوزه، معتقد است شهروندی را صرفاً می‌توان در چارچوب دستاوردهای تاریخی، که ناشی از پدید آمدن نظام امنیت برای شهروندان معاصر است، درک کرد. به ویژه شهروندی را می‌توان ناشی از جدایی و تمایز میان حوزه اقتصادی از حوزه سیاسی دانست. این تمایز حوزه نوپدید را برای تحقق آزادی‌های فردی و حقوق سیاسی و در نهایت تحقق امنیت اجتماعی شکل داده است. در

1. Turner

نزد هابرماس این حوزه نوپدید به عنوان «حوزه عمومی»^۱ یا «جامعه مدنی»^۲ مطرح شده است. این حوزه بر حسب یک تعریف عمومی، حوزه‌ای است حائل میان دولت و حوزه خصوصی، که در آن تصمیم‌گیری‌های جمعی از طریق مشارکت فعالانه شهروندان در شرایطی آزاد و برابر صورت می‌گیرد. این حوزه از ویژگی‌های برجسته جامعه مدرن محسوب می‌شود و در آن افراد از احساس امنیت لازم برخوردار می‌باشند.

از نظر هابرماس جایگاه شهروندی در جامعه مدرن وجود دارد. به نظر می‌رسد الگوی نظری ارائه شده هابرماس به درک و توضیح جایگاه شهروندی همراه با احساس امنیت در جامعه مدرن و جامعه مدنی کمک می‌کند. براساس این الگو افراد در جامعه مدرن دارای چند نقش اجتماعی اصلی‌اند که یکی از آنها «نقش شهروندی» است. در این نقش روابط متقابل حوزه عمومی و دولت مشخص شده است. در ضمن هابرماس به دو عنصر «منفعل و فعال» در شهروندی اشاره دارد. وجوه انفعالی شهروندی از نگاه هابرماس همان «عضویت دریافت شده» می‌باشد. در این حالت یک شهروند از وضعیت حقوقی تعریف شده برخوردار است و مشارکت چندانی در نهادها و روابط ندارد. اما وجوه فعال شهروندی همان است که هابرماس آن را «عضویت به دست آورده» می‌خواند، یعنی مستلزم مشارکت فعال و جذب شدن فرد در جامعه‌ای است که هویت او را می‌سازد (فیتزپتریک ۱۳۸۱: ۱۳۱) و در چنین شرایطی به تحقق امنیت جامعه کمک می‌کند.

برای توضیح نسبت میان شهروندی و امنیت در جامعه می‌توان نقطه عزیمت بحث را نظریه «استورات»^۳، «لیستر»^۴ و دونیسون^۵ (۱۹۹۶) قرار داد. این سه نظریه پرداز به ترتیب از چند مفهوم کلیدی استفاده کرده‌اند. این سه مفهوم کلیدی عبارت است از: شهروند سازی توسط حکومت محلی (استورات)، تحقق عملی حقوق شهروندی در سطح جامعه محلی و شهری (لیستر) و تحقق عدالت اجتماعی در سطح محلی (دونیسون). به نظر استورات مهم‌ترین وظیفه مقامات و حکومت‌های محلی که در راستای تقویت، بهبود اجتماع و

1. Public Sphere
2. Civil Society
3. John Stuart Mill
4. Leicester
5. Denison



امنیت کارآمد و مؤثر باید انجام گیرد «شهروندسازی»^۱ است. شهروندسازی یعنی فراهم نمودن امکانات، تسهیلات و ساز و کارهای لازم برای شهروندان تا آنها از حقوق شهروندی‌شان بهره مند شوند و ضمناً بتوانند به نحوی مناسب وظایف و تکالیف شهروندی‌شان را در قبال جامعه محلی و شهری که در آن زندگی می‌کنند انجام دهند. به عقیده استوارت حکومت‌های محلی در مقایسه با حکومت‌های مرکزی نقش فعال‌تری در ارتقا و ترغیب شهروندی و جلب مشارکت‌های شهروندی در تحقق امنیت اجتماع دارند.

لیستر نیز بر آن است که شهروند سازی مورد نظر استوارت می‌باید در راستای تحقق عینی و عملی حقوق شهروندی صورت گیرد و حکومت‌های محلی زمینه را برای برخورداری شهروندان از حقوق شهروندی مورد نظر مارشال (حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی شهروندی) فراهم کنند. و در چنین شرایطی به تحقق امنیت اجتماعی فراگیر کمک می‌نمایند.

دونسون نیز با تأکید بر تحقق عدالت اجتماعی در سطح محلی و شهری معتقد به ارتباط تنگاتنگ شهروندان و حکومت‌های محلی و شهری است و بر آن است که نقش حکومت‌های محلی و شهری تحقق عدالت اجتماعی در سطح محلی است و از این طریق به تحقق امنیت اجتماعی کمک می‌کنند. در کل این دیدگاه‌ها- شهروند سازی در سطح محلی و شهری- بر مؤلفه‌های کلیدی زیر تأکید دارند:

- نقش حکومت محلی در تثبیت حقوق شهروندی و امنیت اجتماعی؛
- نقش حکومت محلی در تعامل با مشارکت شهروندی و حمایت از شهروندان و برانگیختن زمینه مشارکت شهروندان در تحقق امنیت اجتماعی فراگیر و مورد قبول همه جانبه اکثریت افراد جامعه.

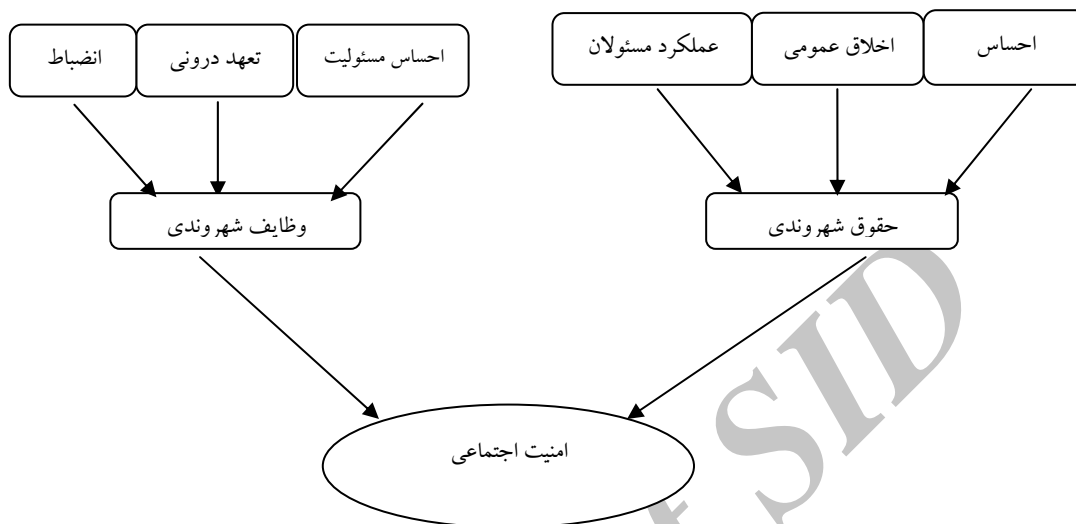
براساس مطالعه‌ای ویژه که توسط «وارن پرایور»^۲ در کشور استرالیا انجام شده است ویژگی‌های زیر برای شهروند مطلوب در جامعه استرالیا در جهت تحقق امنیت اجتماعی احصا گردیده است:

1. To build citizenship
2. Varanpriver

- ۱- ویژگی‌های مرتبط با دل‌مشغولی اجتماعی: شامل علاقه و نگرانی نسبت به رفاه و آسایش دیگران، رفتارهای اخلاقی و پذیرش تنوع؛
- ۲- ویژگی‌های مرتبط با جنبه‌های مشارکتی، عملی: شامل ایفای مسئولیت‌های خانوادگی، توانایی بررسی ایده‌ها و عقاید مختلف، توانایی اتخاذ تصمیم‌های معقولانه و مشارکت در مسائل مدرسه یا جامعه محلی؛
- ۳- ویژگی‌های مرتبط با درک و فهم مدنی: شامل آگاهی از حوادث و رویدادهای جاری جامعه، جهان و آگاهی از عملکرد دولت پژوهش دیگری که توسط براون^۱ در کانادا انجام شده است و ویژگی‌های زیر را برای شهروند مطلوب خاطر نشان کرده است.
- ۱- توانایی برای مذاکره و مشارکت با دیگران: احترام به تفاوت‌ها و تضادها، گوش دادن سازنده به دیگران، توانایی به دست آوردن اطلاعات (از کتابخانه، اینترنت، جلسه‌های عمومی) و بیان عقاید و ایده‌ها؛ ۲- اطمینان و جرئت برای فراکنشی عمل کردن، داشتن عقاید مستقل، عمل مستقلانه و مسئولیت پذیری؛ ۳- دانش درباره اموری چون نحوه سازمان یافتن جامعه، نحوه عملکرد دولت ملی و محلی، آگاهی از عقاید و دیدگاه‌های اساسی، احزاب سیاسی عمده کشور، ایدئولوژی و فلسفه سیاسی مستقل و در جهت تقویت امنیت و جلوگیری از رشد اندیشه‌های مخرب مردم سالاری و از بین بردن امنیت در جامعه (فتحی، ۱۳۸۸: ۳).
- در مجموع مطالعه مبانی نظری نشان می‌دهد که شهروندی با توجه به دو عنصر حقوق و وظایف شهروندی به ایجاد عدالت در جامعه و همین‌طور رعایت انضباط اجتماعی، تعهد درونی نسبت به محیط زندگی و احساس مسئولیت متقابل مسئولان و مردم را در قبال یکدیگر تقویت می‌کند و در نهایت وجود چنین شرایطی به گسترش فضای مناسب اخلاق عمومی در جامعه کمک می‌نماید. در مجموع عوامل فوق باعث تقویت امنیت اجتماعی در جامعه می‌شوند. با عنایت به مباحث نظری مطرح شده، می‌توان مدل مفهومی زیر را طراحی نمود:

1. Bravon

مدل مفهومی تحقیق



روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و از نوع تحقیقات رابطه ای می باشد که در آن به بررسی روابط (همبستگی) بین متغیرها پرداخته شد. جامعه آماری این تحقیق شامل شهروندان بالای ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن در شهر قزوین است. برای انتخاب حجم نمونه از فرمول عمومی کوکران (که در آن p احتمال وجود صفت و q عدم وجود صفت ۰/۵ در نظر گرفته می شود) استفاده گردید.

$$n = \frac{N.t^2.p.q}{N.d^2 + t^2.p.q}$$

$$n = \frac{178000 \times (1/96)^2 \times (0/5) \times (0/5)}{178000 \times (0/05)^2 + (1/96)^2 \times (0/5) \times (0/5)} = 384$$

N = تعداد کل جامعه آماری = ۱۷۸۰۰۰

t² = (۱/۹۶)^۲ استودنت) وقتی که سطح معنی داری آزمون برابر با ۰/۰۵ باشد =

d² = تقریب در برآورد پارامتر مورد مطالعه = (۰/۰۳)^۲ = ۰/۰۰۹

$$p^1 = (0/5)^2 = (\text{احتمال وجود احساس امنیت}) \text{ احتمال وجود صفت}$$

$$q = (0/5)^2 = (\text{احتمال عدم وجود امنیت}) \text{ احتمال عدم وجود صفت}$$

بر اساس فرمول عمومی کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه به دست آمد، ولی به منظور دقت بیشتر از ۴۰۰ نفر نظرسنجی به عمل می‌آمد. البته بر طبق جدول مورگان نیز حجم نمونه در حدود ۳۸۴ نفر می‌باشد.

در اجرای پژوهش حاضر از دو روش مطالعه اسنادی و میدانی (پیمایشی) استفاده شد. در بخش اسنادی، ضمن بررسی رویکردهای نظری موجود در رابطه با موضوع تحقیق، چارچوب نظری خاص تحقیق انتخاب و پرسشنامه تحقیق بر مبنای آن تهیه گشت.

فرضیه اصلی مدنظر تحقیق حاضر عبارت است از: «بین شهروندی و امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد».

برای سنجش شهروندی به شرح ذیل عمل گردید:

ابعاد حقوق شهروندی عبارت است از: «احساس عدالت در جامعه، وجود فضای مناسب اخلاق عمومی در جامعه، احساس امنیت (وجودی و اجتماعی) و رضایت از عملکرد مسئولان».

ابعاد وظایف شهروندی عبارت است از: «رعایت انضباط اجتماعی، تعهد درونی نسبت به انجام شغل، وظایف محوله و احساس مسئولیت در قبال دیگران» پس برای سنجش شهروندی به شرح ذیل عمل گردید:

در ضمن مؤلفه‌های عملیاتی امنیت اجتماعی عبارت است از: «احساس امنیت در کلیه حوزه‌های فضای عمومی جامعه، جانی، مالی و اقتصادی»، پس متغیر امنیت شامل کلیه حوزه‌های فردی و اجتماعی می‌شود.

اما متغیرهای مستقل تحقیق نیز عبارت است از:

۱- لازم به توضیح است که به دلیل عدم وجود اطلاعات مورد اعتماد برای برآورد واریانس در فرمول حجم نمونه مقدار p و q را برابر با ۰/۵ در نظر گرفتیم، بنابراین در این صورت با توجه به حجم جامعه آماری، بالاترین حجم نمونه به دست می‌آید.



- احساس عدالت اجتماعی (احساس عدالت توزیعی در خصوص امکانات و جایگاه‌ها در بین افراد جامعه)؛
- رضایت از عملکرد مسئولان (اعتماد به توانمندی مسئولان با توجه به وظایف محوله)؛
- رعایت انضباط (رعایت اصول مربوط به وظیفه هر شهر شهروند در قبال دیگران و جامعه در سطح خیابان‌ها، محل کار و..)؛
- فضای مناسب اخلاق عمومی (به معنی رعایت ارزش‌های اخلاقی توسط اعضای جامعه است این ارزش‌ها شامل: راستگویی و صداقت، وفای به عهد، عدم چاپلوسی، عدم دورویی یا همان یک‌رنگی، توجه به منافع دیگران، خوش رفتاری، احترام به دیگران، انصاف و... می‌شود)؛
- تعهد درونی (داشتن وجدان کار و حفظ حقوق دیگران در عرضه اجتماع و عدم تجاوز نسبت به حقوق دیگران)؛
- احساس مسئولیت (شامل: احساس وظیفه نسبت به دیگران، احساس پیوستگی که نزدیکی را در بیان افراد جامعه به وجود می‌آورد).
- به این ترتیب پس از مشخص شدن گویه‌های هر متغیر و یکسان کردن جهت گویه‌ها با استفاده از دستور ترکیب^۱ شاخص‌های تحقیق ساخته شدند.
- اما در تحقیق حاضر پس از ساخت متغیرهای موردنظر با استفاده از دستور کدگذاری مجدد^۲ و سیستم طبقه‌بندی برحسب فواصل مساوی، میزان هر یک از شاخص‌های ساخته شده به پنج دسته: ۱- خیلی کم، ۲- کم، ۳- متوسط، ۴- زیاد و ۵- خیلی زیاد تقسیم‌بندی گردید.
- در خصوص ابزار سنجش باید خاطر نشان ساخت که در ابتدا پرسشنامه اولیه مورد پیش‌آزمون^۳ قرار گرفت. هدف از انجام این مطالعه، سنجش میزان روایی^۴ و پایایی^۵

1. Compute
2. Recode
3. Pre-Test
4. Validity
5. Reliability

پرسشنامه و رفع نواقص احتمالی و اصلاح ابزار سنجش بود. به این منظور، ابتدا پرسشنامه‌ای اولیه در قالب طیف پنج گزینه ای لیکرت طراحی و طی مشورت با کارشناسان، اعتبار صوری^۱ آن به دست آمد و سپس پایایی آن با روش آلفای کرونباخ^۲ حاصل گردید. در نهایت، پس از تعیین قابلیت اعتماد پرسشنامه (به میزان ۷۸ درصد)، نسبت تکمیل پرسشنامه نهایی در میان جامعه آماری منتخب اقدام شد.

با توجه به اینکه در تعریف شهروندی دو بُعد «حقوق و وظایف» مدنظر بود، از این رو با توجه به سؤال‌های پرسشنامه اقدام به انجام آزمون تحلیل عاملی^۳ گردید و نتایج نشان داد که بین متغیرهای «احساس عدالت در جامعه، وجود فضای مناسب اخلاق عمومی، احساس امنیت (وجودی و اجتماعی) و رضایت از عملکرد مسئولان» همبستگی وجود دارد و آنها را می توان تحت یک عامل اسم گذاری کرد، از این رو آنها با نام «حقوق شهروندی» نامگذاری شدند؛ در ضمن بین متغیرهای «رعایت انضباط اجتماعی، تعهد درونی نسبت به انجام شغل و وظایف محوله و احساس مسئولیت در قبال دیگران» نیز با یکدیگر همبستگی بالایی در قالب یک عامل برقرار بود، به این ترتیب این متغیرها در قالب عامل «وظایف شهروندی» قلمداد شدند.

در مجموع معرف‌های سنجش هر یک از دو متغیر تحقیق نشان می دهد که یک نوع همگرایی بین مؤلفه‌های دو متغیر امنیت اجتماعی و اخلاق شهروندی وجود دارد، که در مجموع وجود هر یک از این دو در به وجود آمدن زمینه برای دیگری بسیار مؤثر می باشد. واحد تحلیل و مشاهده: با توجه به اینکه این تحقیق در پی بررسی رابطه بین شهروندی و امنیت اجتماعی است و از آنجا که متغیرها در سطح فرد بررسی و سنجش می شوند و نتایج نیز در همین سطح توصیف و تحلیل می گردد، از این رو واحد تحلیل این پژوهش در سطح «فرد» قرار می گیرد. واحد مشاهده نیز «فرد» می باشد و اما ابزار مشاهده به صورت مصاحبه و با استفاده از پرسشنامه ساخت یافته است که به روایی و پایایی آن اشاره شد.

1. Face Validity
2. Cronbach Alfa
3. Factor analysis



یافته‌ها

لازم به توضیح می‌باشد که یافته‌ها در دویخش همبستگی و سنجش اثر (شبه علی) تنظیم گردیده، که نتایج حاصل در ذیل می‌آید:

در ابتدا باید خاطر نشان ساخت که حدود ۵۱ درصد از پاسخگویان از بین مردان و مابقی از بین زنان انتخاب گردید، در ضمن گروه سنی پاسخگویان بین ۱۵ تا ۶۵ سال بود که میانگین سنی آن ۳۸ سال و میانگین تحصیلی پاسخگویان ۱۲ سال تحصیلی (دیپلم) می‌باشد.

نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان احساس امنیت در بین ۳۶ درصد از پاسخگویان در حد زیاد و در مقابل در بین ۲۵ درصد در سطح کم بوده و مابقی از احساس امنیت نسبی برخوردار می‌باشند. و در مجموع میزان احساس امنیت متوسط رو به بالا می‌باشد. در ضمن نتایج سایر متغیرهای تحقیق در جدول زیر به صورت درصد فراوانی ذکر شده است.

جدول ۱. بررسی درصد فراوانی هر یک از متغیرهای تحقیق در بین پاسخگویان

متغیر	درصد فراوانی					
	خیلی کم	کم	تا حدودی زیاد	زیاد	خیلی زیاد	درصد
احساس امنیت اجتماعی	۵	۲۰	۳۹	۲۸	۸	۳/۱۲
احساس عدالت و برابری در جامعه	۱۰	۱۵	۲۵	۴۰	۱۰	۳/۴۰
فضای اخلاق عمومی مناسب	۸	۲۱	۳۲	۲۳	۱۶	۳/۳۵
تعهد درونی	۴	۱۱	۳۰	۳۱	۲۴	۳/۵۴
احساس مسئولیت در قبال دیگران	۶	۱۵	۴۰	۱۸	۲۱	۳/۲۳
انضباط اجتماعی	۱۰	۱۶	۳۰	۳۲	۱۲	۳/۰۷
احساس رضایت از عملکرد مسئولان	۱۲	۱۸	۳۱	۲۰	۱۹	۳/۱۰

۱- لازم به توضیح است دامنه نمره بین ۱ تا ۵ می‌باشد.

- نتایج حاصل از همبستگی بین شاخص‌های مشترک شهروندی و امنیت اجتماعی

جدول ۲. بررسی میزان همبستگی هر یک از ابعاد اخلاق شهروندی با امنیت اجتماعی

متغیرهای مربوط به بُعد حقوق شهروندی	ضریب همبستگی	p.value	متغیرهای مربوط به بُعد وظایف شهروندی	ضریب همبستگی	p.value
احساس رضایت از عملکرد مسئولان	۰/۶۴	۰/۰۱	تعهد درونی (در انجام شغل و وظایف محوله)	۰/۳۴	۰/۰۲
احساس عدالت و برابری در جامعه	۰/۵۵	۰/۰۱	انضباط اجتماعی	۰/۶۰	۰/۰۱
فضای اخلاق عمومی مناسب (رضایت اجتماعی)	۰/۵۷	۰/۰۱	احساس مسئولیت در قبال دیگران	۰/۴۸	۰/۰۱

در پژوهش حاضر اقدام به گرفتن همبستگی دوجانبه بین تمامی ابعاد حقوق و وظایف شهروندی و امنیت اجتماعی در قالب ماتریس همبستگی شکل گرفت، بنابراین با توجه به عنوان مقاله، صرفاً اقدام به نمایش میزان همبستگی هر یک از متغیرها با متغیر امنیت اجتماعی گردید. و این نتیجه نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای فوق با متغیر امنیت اجتماعی دارای همبستگی مستقیم می‌باشند. با بالا رفتن هر یک از متغیرهای فوق میزان امنیت اجتماعی نیز در جامعه بالا خواهد رفت.

تحلیل رگرسیونی ابعاد مختلف شهروندی بر روی امنیت اجتماعی

برای انجام تحلیل رگرسیونی امنیت اجتماعی تمامی متغیرهای فوق به برنامه رگرسیونی معرفی شدند؛ از مجموع شش متغیر معرفی شده به برنامه رگرسیونی از طریق روش Enter، هر شش متغیر (به دلیل ضریب تأثیر رگرسیونی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد) به معادله وارد شدند که در زیر به توضیح و تفسیر آنها به ترتیب وزن بتا و تأثیرگذاری آنها بر متغیر وابسته می‌پردازیم:

همان‌طور که از نمودار رگرسیونی مشخص است متغیر «احساس عدالت و برابری در جامعه» با ضریب بتای ۳۱ درصد ($Beta=0/31$) بیشترین تأثیر را بر امنیت اجتماعی داشته



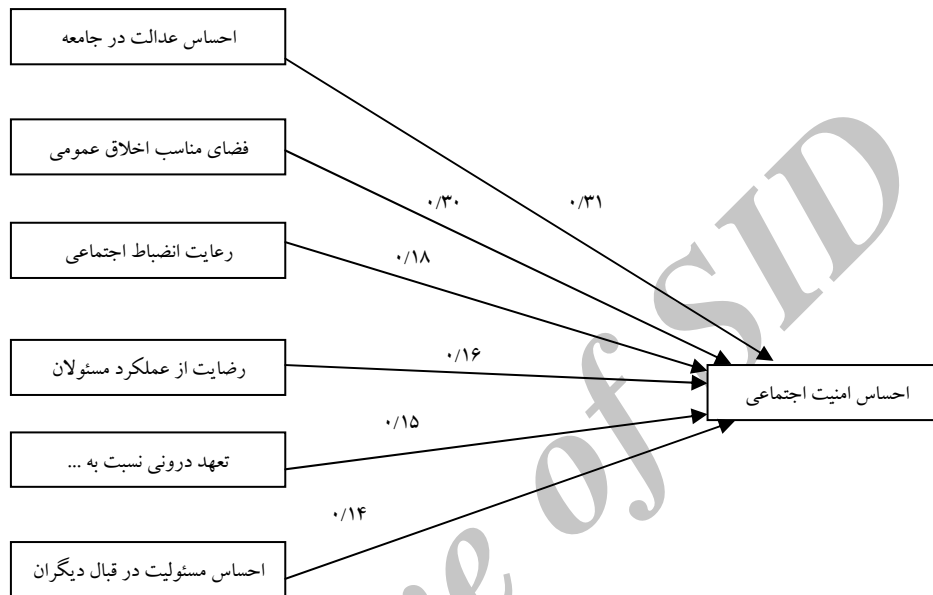
است. یعنی به ازای هر واحد افزایش در احساس عدالت در بین افراد جامعه، میزان امنیت اجتماعی ۰/۳۱ درصد (صدم واحد) در جهت مثبت افزایش خواهد داشت. و بعد از آن متغیر «وجود فضای مناسب اخلاق عمومی» بیشترین تأثیر را بر امنیت اجتماعی داشته است ($Beta = 0.30$)، بنابراین امنیت اجتماعی در جامعه بیش از همه در گام اول تابع احساس عدالت در بین افراد جامعه و سپس وجود فضای مناسب اخلاق عمومی است. یعنی هر چه فضای اخلاق عمومی مناسبتر باشد، میزان امنیت اجتماعی در جامعه نیز افزایش می‌یابد. سومین متغیری که به لحاظ وزن بتا وارد معادله شده است، متغیر «رعایت انضباط اجتماعی» است که جزو ابعاد وظایف شهروندی می‌باشد، ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده (بتا) برابر با ۱۸ درصد می‌باشد. طبق این نتیجه می‌توان گفت به ازای هر یک واحد افزایش در رعایت انضباط اجتماعی در افراد، امنیت اجتماعی به میزان ۱۸ درصد افزایش خواهد یافت.

پس از متغیر «انضباط اجتماعی» چهارمین متغیری که وارد معادله شده است متغیر «رضایت از عملکرد مسئولان» (با ضریب تأثیر رگرسیونی ۱۶ درصد)، و پنجمین متغیر تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی «تعهد درونی نسبت به شغل و وظایف محوله» با ضریب تأثیر رگرسیونی ۱۵ درصد می‌باشد و در نهایت متغیر احساس مسئولیت نسبت به دیگران (با ضریب تأثیر ۱۴ درصد) است.

لازم به توضیح است که ضریب تأثیر رگرسیونی تمامی متغیرهای فوق بر روی متغیر وابسته (یعنی امنیت اجتماعی) به صورت مستقیم است، یعنی با بالا رفتن هر یک از آنها میزان امنیت اجتماعی نیز در جامعه بالا می‌رود.

در ضمن نتیجه آزمون فیشر در سطح کاملاً معناداری است ($sig. F = 0.00$)، که این نتیجه بیانگر رابطه معنادار متغیر وابسته (امنیت اجتماعی) با مجموعه متغیرهای باقی مانده در معادله است. مقدار ضریب همبستگی رگرسیون چند متغیره ($R = 0.76$) نمایشگر همبستگی قوی و در خور توجه مجموعه متغیرهای مستقل مذکور در بالا با متغیر وابسته (امنیت اجتماعی) است. مقدار ضریب تعیین یا برآورد واریانس متغیر امنیت اجتماعی برابر با ۵۶

درصد می‌باشد ($R^2=0/56$). این نتیجه بیان‌کننده نسبت بالاتر از ۵۰ درصد یا بالاتر از نیمی از تغییرهای متغیر امنیت اجتماعی براساس هفت متغیر مذکور می‌باشد.



$$\text{Sig} = 0/000 \quad R^2 = 0/56 \quad R = 0/74 \quad Y = \text{امنیت اجتماعی}$$

نمودار رگرسیونی در خصوص تأثیر ابعاد مختلف شهروندی بر روی امنیت اجتماعی

به این ترتیب و با توجه به نتایج بالا (مبحث همبستگی) می‌توان گفت که هر یک از ابعاد ذکر شده در مورد ابعاد شهروندی علاوه بر اینکه خود باعث شکل‌گیری و تقویت امنیت اجتماعی در جامعه می‌شوند (یعنی امنیت اجتماعی تولید می‌کنند) از طرف دیگر وجود امنیت اجتماعی در جامعه باعث بازتولید هر یک از شاخص‌های شهروندی مثل «وجود عدالت و برابری اجتماعی، فضای اخلاق عمومی مناسب، رضایت از عملکرد مسئولان، رعایت انضباط اجتماعی، تعهد (نسبت به شغل و وظایف محوله) و احساس مسئولیت در قبال دیگران» می‌شود و از این رو می‌توان گفت که اخلاق شهروندی دارای همبستگی بالایی با امنیت اجتماعی بوده و به عنوان ملازمه و همراه امنیت اجتماعی شناخته می‌شود. اینجاست که می‌توان شهروندان را به دریاوردانی قیاس کرد که شریک اجتماعی



هم هستند (یعنی یکی پاروزن است، یکی دیده بان، و دیگری نگه‌دار سکان) و همگی هدف مشترکی دارند و آن تأمین سعادت و ایمنی جامعه (کشتی) است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شهروندی از مفاهیم کلیدی در شناخت و توصیف جایگاه و وضعیت انسان امروزی است. می‌توان به درستی نشان داد آنچه انسان معاصر را از انسان قرون گذشته متمایز می‌سازد هویت شهروندی اوست. شهروندی یک مفهوم پویا است و ناشی از بستر سازی «اجتماعی، فرهنگی، فناوری، حقوقی و سیاسی» است، که متوجه دو عنصر (بعد) است. یکی حقوق و دیگری تکالیف. در مجموع یک شهروند مطلوب باید در سه حیطه دارای صلاحیت‌های معینی باشد که عبارت است از: ۱- شناخت مدنی (مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، اصطلاحات و درک و فهم مدنی)؛ ۲- توانایی مدنی (مجموعه‌ای از مهارت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی هر فرد برای زیست در جامعه، مثل توانایی مشارکت با دیگران)؛ ۳- نگرش مدنی (مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، باورها و دیدگاه‌هایی که برای یک شهروند ضروری است مانند پذیرش تنوع و تکثر در جامعه و احترام به آن، داشتن روحیه مسئولیت‌پذیری، دارا بودن حس وطن‌پرستی، داشتن روحیه بردباری و ...).

امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حریم افراد مربوط می‌شود که در ارتباط با دیگر افراد جامعه، سازمان‌ها و دولت می‌باشد. اکثر افراد جامعه به طور مستمر و در طول زندگی روزمره با این قلمروها روبرو می‌شوند و زندگی آنها مستلزم ارتباط در این قلمروهاست. به عبارت بهتر در این مطالعه امنیت اجتماعی به معنای امنیت و آرامش افراد در یک حیات مستمر جاری است. و آن موارد موقتی و استثنایی بر اساس چنین معنایی از امنیت اجتماعی تأثیر عناصر سه حوزه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر امنیت اجتماعی دریافت می‌شوند.

در مجموع یافته‌های نظری نشان می‌دهد که در خصوص تقویت اخلاق شهروندی می‌توان به چند عنصر توجه جدی داشت: «حقوق، وظایف و تکالیف شهروندی، نهادی شدن احساس مسئولیت شهروندان در قبال جامعه، اجرای حقوق مدنی - قانونی، سیاسی و اجتماعی شهروندی، برابری شهروندی، حمایت و ضمانت دولت برای تحقق

شهروندی» این نکات مشترک بیانگر ماهیت مفهوم و پدیده شهروندی است، که در تحقق آن باید به این موارد توجه داشت.

در این راستا اصلی ترین موضوع در زمینه شهروندی، آشنایی شهروندان با قانونها و مقررات جامعه از طریق رسانه‌های گروهی است. برای شتاب بخشیدن به این فرایند لازم است که افراد جامعه به شهروندانی مشارکت جو و فعال در عرصه عمومی تبدیل شوند. شهروند شدن نیز نیازمند یادگیری، آموزش و تمرین است. این تمرین‌ها باید با همکاری و مشارکت شهروندان و با پشتیبانی مادی و معنوی نهادهای مسئول آموزش داده شود. در این راستا تحصیلات و آموزش نقشی تعیین کننده در مشارکت افراد در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی به عنوان شهروند دارد. شهروندان باید به بسیاری از قوانین و مقررات در زمینه‌های گوناگون همچون: پرداخت مالیات، خدمت سربازی، نگهداشت اموال عمومی، رعایت بهداشت، چگونگی رویارویی با رخدادها و ... آشنایی داشته باشند.

شهروندان بی‌بهره از چنین آگاهی‌ها و ناآشنا به وظایف حقوق مدنی و اجتماعی خود، نه می‌توانند گرهی از مشکلات خود بکشایند، نه باری از دوش دولت بردارند. بنابراین لازم است که در هر جامعه، امکانات و ابزارهایی برای آموزش شهروندان و آشنا کردن آنان با حقوق، وظایف و مسئولیت‌هایشان فراهم آید.

در مجموع از جمله پیامدهای مثبتی که به تقویت، قانونمند کردن و عقلانی نمودن شهروندی می‌انجامد می‌توان به موارد زیر با توجه به امکانات و قابلیت‌های موجود اشاره کرد:

- تقویت حس تعلق اجتماعی شهروندان به محل زندگی و حاکمیت؛

- تقویت حس اعتماد شهروندان به یکدیگر و حاکمیت؛

- تقویت حس همکاری میان شهروندان و مدیران.

بنابراین در این میان رسانه‌های گروهی، صداقت و کارایی مسئولان در ارتباط با مردم می‌توانند نقش قاطعی را در زمینه هر یک از موارد فوق ایفا نمایند.

پس در نهایت می‌توان گفت که «حقوق و وظایف شهروندی» و «امنیت اجتماعی»

همدیگر را باز تولید می‌کنند و تقویت هر یک باعث تقویت دیگری می‌شود.



منابع فارسی

- افضلی، رسول و مهدی حسام. (۱۳۸۹). حقوق شهروندی در ایران، تهران: مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۸۰-۲۷۹.
- ترنر، جاناتان اچ. (۱۳۷۲). نظریه جامعه شناختی. ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز: انتشارات نوید.
- توسلی، غلامعباس و محمود نجاتی حسینی. (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله جامعه شناسی ایران. تهران: نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۲ تابستان ۸۳. چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- پللو، روبر و ابولفضل قاضی. (۱۳۷۰). شهروند و دولت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیبزاده، محمدجعفر. (۱۳۷۶). عوامل و موانع حقوقی امنیت و نظم اجتماعی در ایران. مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، ج ۲، تهران: وزارت کشور.
- شعبانی، قاسم. (۱۳۸۱). حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۱). شهروندی و رفاه اجتماعی، مجله رفاه اجتماعی، سال اول، تابستان ۱۳۸۱.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۲). وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- عاملی، سعید رضا. (۱۳۸۰). تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸، پاییز و زمستان.
- عمید، حسن. (۱۳۴۲). فرهنگ عمید، جلد اول، انتشارات امیرکبیر.
- فالکس، کیث. (۱۳۸۱). شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر، چاپ اول.
- فتحی، کورش. (۱۳۸۸). برنامه‌های درسی تربیت شهروندی.
- فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۱). نظریه رفاه، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- قاسمی کیا، نوراله. (۱۳۸۹). بررسی جرم شناختی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در جوانان شهر بروجرد، حقوق جزا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد.
- لکسو، لیزا. (۱۳۸۱). شهروندی جهانی. راهبرد، نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۳، بهار.

ماندل، رابرت. (۱۳۷۷). *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

معین، محمد. (۱۳۵۲). *فرهنگ معین*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نقی زاده، محمد. (۱۳۸۴). *نظریه شهروندی و فرهنگ تمدن ایرانی*، تهران: اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۱۸۳ شماره سوم و چهارم، آذر و دی.

نوروزی، کامبیز. (۱۳۸۵). *حق شهروندی، مسئولیت مشترک دولت-ملت*، نشریه نامه شماره ۵۳. هزار جریبی، جعفر و رضا صفری شالی. (۱۳۸۸). *بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن*، مجله انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم. پاییز ۱۳۸۸.

واتقی، قاسم. (۱۳۸۰). *تدابیر و سیره عملی علی (ع) در تأمین امنیت اجتماعی*، مرکز تحقیقات و پژوهش های ناجا.

منابع لاتین

- Adler, paul S & seok-woo kwon .(2002). *social capital: prospects for a new concept*; Academy of management Review; vol27.No1.
- Blader, Steven L & Tom.R.Tyler .(2002). *What constitutes Fairness in work settings? A four-components model of procedural Justice*; Human Resource Management
- .London. T.H. (2000). -*Marshal Class, Citizenship and Social Development*, Rutledge
- Misztal, Barbara A.(1996). *Trusting Modern societies*, Blackwell.
- Pope, J. (2000). *Social Capital and Social Capital Indicators*. University of Adelaide.
- Turner,bryan, S..(1990). *Outline of a Theory of citizenship*, sociology vol.24
- Turner,bryan, S..(1993). *Outline of a Theory of Human rights*, sociology vol.27
- <http://www.ui.ac.ir/red/mainpage/03magalat/ensani>